



اریک فروم، ن.ت. سوزوکی، ریچارد تی هارتینو

روانکاوی و ذهن بودیسم

ترجمه‌ی نصرالله شفاری

- خطابه‌هایی بر ذهن بودیسم
- روان‌کاوی و ذهن بودیسم
- وضعیت انسانی و ذهن بودیسم



انتشارات بهجت

روان‌کاوی و روان‌پزشکی در ایران - شمسه ۲	۱۵۱
موسسه روان‌کاوی - ۵	۵۷۲
روانشناسی و روان‌پزشکی - ۹	۹۵۲
بدنام خدا - موسسه روان‌کاوی و روان‌شناسی شمسه	۱۱۲
«هنرهای روان‌کاوی»	

مقدمه مترجم

کتاب حاضر، مجموعه خطابه‌های منطقیه و تحلیلی گرانه‌ارز که فروم، سوزوکی و ریچارد فی‌مارش در طول دوران روان‌کاوی و ذهن بودیسم و

فهرست

۵	مقدمه مترجم
۱۵	مقدمه مؤلف
۱۷	خطابه‌هایی بر ذهن بودیسم
	«د.تی. سوزوکی»
۱۹	۱- شرق و غرب
۳۳	۲- ناخودآگاه در ذهن بودیسم
۴۰	۳- منظور از هنرمند بودن چیست؟
۵۳	۴- مفهوم نفس در ذهن بودیسم
۶۷	۵- درک حقیقی چیست؟
۸۰	۶- کوان
۱۰۰	۷- پنج مرحله
۱۲۳	روان‌کاوی و ذهن بودیسم
	«اریک فروم»
۱۲۷	۱- بحران معنوی امروز و نقش روان‌کاوی
۱۳۱	۲- ارزش‌ها و اهداف در مفاهیم روان‌کاوی فروید
۱۳۹	۳- طبیعت تندرستی، تکامل روانی انسان

- ۴- طبیعت خودآگاهی، سرکوبی و سرکوب‌زایی
 ۵- اصول ذن بودیسم
 ۶- سرکوب‌زدایی و اشراق
- وضعیت انسانی و ذن بودیسم
 «ریچارد دی‌مارتینو»

۲۱۱

۱۵۱

۱۷۵

۱۸۶

به‌نام خدا

مقدمه مترجم

کتاب حاضر، مجموعه خطابه‌های منتقدانه و تحلیل‌گرانهٔ اریک فروم، د.تی سوزوکی و ریچارد دی‌مارتینو پیرامون روان‌کاوی و ذن بودیسم و مباحثی در احوال خصوصی و اجتماعی انسان معاصر از دیدگاه مکاتب روان‌شناسی و ذن بودیسم است.

بنیان شناخت رابطه و تطبیق این دو مکتب متفاوت شرق و غرب، نخست روان‌کاوانی چون یونگ و هورنای بودند. سپس اریک فروم و دیگر روان‌کاوان غربی علاقه و تشابهات فزاینده‌ای میان ذن بودیسم و روان‌کاوی یافتند.

اریک فروم در خطابهٔ خود بر این اعتقاد است که «روان‌کاوی فروید» خلاف آنچه تاکنون باور شده - تفکری ورای موضوع «مرض» و «درمان» و به‌واقع طریقی به‌سوی رستگاری است. این نظریه، نگرشی نوین به علم روان‌کاوی و ارتباط آن با ذن بودیسم است. رهایی انسان از نیروهای بازدارندهٔ درونی و نیل به رستگاری، هدف و وجوه اشتراک این دو مکتب یکتای شرق و غرب است.

توجه و علاقه‌ی روان‌کاوان و دیگر اندیشمندان غربی به ذن بودیسم، به‌واقع چاره‌یابی و مقابله‌ای است با بحران روحی و معنوی که غرب در آن گرفتار آمده است. بحرانی که به نام‌های بی‌قراری، خودبیگانگی،

بن‌بست روحی و مرض قرن توصیف شده و علائم گوناگون آن به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم بروز نمود.

انگیزهٔ خطابه‌های اریک فروم، دکتر سوزوکی و دی‌مارتینو بیان این مهم است که تاریخ آدمی داستان تلاش به‌سوی آزادی و رستگاری و در عبارات روان‌کاوانه، تلاش به‌سوی یگانگی با خود و هستی خود و در مکتب اشراق، به‌مفهوم بازیافتن هویت خدایی خویش و خداگونه شدن است. عایت راستین آدمی که تاکنون کوشش اصلی او و تا تحقق عینی، محور وجودی و حقیقی حرکت او خواهد بود و اینکه انسان در رهگذر هستی همهٔ پدیده‌های ممکن را تجربه می‌کند و برای تحقق هدف وجودی خویش به‌کار می‌گیرد. در این مسیر پدیده‌ها دیگرگون می‌شوند و گه‌گاه رنگ امید یا مذلت به‌خود می‌گیرند. از نوع عجیب این پدیده‌ها، ماشین است که تاکنون ماجراها آفریده و می‌رود تا به جای امید، به‌صورت عاملی بازدارنده و تهدیدی جدی علیه موجودیت انسان درآید.

گویندگان خطابه‌های این نوشتار، ماشین را عامل درهم‌پاشیدگی روحی و معنی انسان معاصر و مانع اساسی و سد راه خیزش او به سوی آزادی و رستگاری می‌دانند. از آنجا که این خطابه‌ها برای روان‌شناسان آشنا به مسائل و تأثیرات ماشین مطرح شده است، در اینجا برای آشنایی بیشتر خواننده با مباحث و درک بهتر نکات این نوشتار در دو بخش نخست تاریخچه و تأثیرات ورود ماشین به‌زندگی خصوصی و اجتماعی انسان و در بخش دیگر پاسخ‌های ارائه شده به مشکل فوق را از دیدگاه‌های خاص روان‌کاوی و ذن بودیسم مورد بررسی قرار می‌دهیم.

از منظر ذن و بنابر سخن دکتر سوزوکی، ماشین و انسان دو پدیدهٔ متضادند و به‌واسطهٔ همین تضاد، غرب در گیرودار یک تنش عظیم روانی است. سوزوکی در خطابهٔ خود هشدار می‌دهد که: در جوامع مکانیزه و صنعتی شدهٔ غرب، ماشین تمامی ارزش‌ها شده و انسان به بندگی ماشین

تنزل یافته است. سوزوکی بابت خود فراموشی نیروها و استعداد‌های درونی انسان و از بیگانگی انسان با خود و طبیعت، اندیشناک است. او مشکل روحی و معنوی انسان معاصر را تجزیه‌وتحلیل می‌کند و پاسخ مکتب ذن را ارائه می‌دهد.

بیماری انسان معاصر به تشخیص اریک فروم به‌سبب اشاعه و حاکمیت ارزش‌های ماشینی و فراموشی ارزش‌های انسانی است که در این فرآیند، انسان به یک «شیء» تنزل یافته است. ارزش‌های ماشینی موجب شده‌اند که کیفیت انسانی از روابط انسان‌ها رخت برنندد و در این رابطه همه برای یکدیگر به‌شکل ابزاری برای برآوردن امیال مادی درآیند. نظریه‌های مذکور واقعیتی تلخ، اما حقیقت است که انسان در تلاش به‌سوی آزادی، به بیراهه‌ای خطرناک افتاده است. بیراهه‌ای که به‌فریب پیشرفت ماشین، بانی دو جنگ فلاکت‌بار جهانی شد. مسئله این است که چگونه انسان به این بیراههٔ نیستی‌ساز افتاد و در این بیراهه، سرنوشت او به کجا خواهد انجامید؟ پرسش درست این است که چرا پدیدهٔ امیدبخش و کارآمدی چون ماشین نه تنها بانی یگانگی و رستگاری آدمی نشد که انسان را از هر زمان دیگر با خود و هستی خود بیگانه و واژه نموده است؟ تاریخ رسمی ورود ماشین به زندگی فردی و اجتماعی انسان، سال ۱۷۶۹ میلادی، تاریخ ثبت ماشین‌بخار است. اما تاریخ جهش بزرگ با دستاوردهای بنیانی اقتصادی و سیاسی سال ۱۸۷۰، تاریخ انقلاب صنعتی است که در انگلیس آغاز شد و در آلمان و آمریکا ادامه یافت. اخبار اختراعاتی چون ماشین‌های بخار و ریسندگی امیددی‌فرازنده در دل انسان‌های خسته از پتک آهنین و خیش برای گسستن زنجیرها و سدها درآفکند. در دوره‌ای بالنسبه کوتاه، کارخانجات و کارگاه‌های بیشماری یکی پس از دیگری خلق شدند و اخبار معجزات و شعارهای رفاه، بهداشت و آموزش همگانی بس فریبنده بود. صدای گوش‌خراش و دود